

فرج سرکوهی

شعر مهدی فلاحی از صداهای مستقل و ممتاز نسلی است که در آخر ن دهه های سلطنت شاه چشم عقل به جهان باز کرد، نوجوانی خود را در آرزوی آزادی سوخته نخست ن سال های جوانی خود را در تجربه پر شور رهائی در رنگ ن کمان توفان انقلاب ز ست و به گفته شاعر «رو اهای خود را بر گونه ماه نوشته» اما تنها یک سال و اندی پس از انقلاب در سال ۱۳۶۰، یکی از سهمگ ن تر ن سرکوب های تاریخ معاصر ا ران و با تبری رو در رو شد که آزادی و رو ا و شعر را در زندان ها و خ ا بان ها سر می بر د.

اغلب استعداد های فرهنگی و س اسی ا ن نسلی که هنوز نخست ن سال های جوانی خود را تجربه می کردند، در سرکوب سال ۶۰، ناشکفته، پرپر شدند، در شکنجه گاه ها جان باختند ا در زندان ها اعدام شدند. برخی که به تصادف از ت غ زندان و مرگ در امان ماندند، زخم و رنج، تلخکامی و بار اندوه شکست نسل خود را به سرمای تب د بردند و به گفته شاعر «ر شه های خود را در باد کاشتند.»

بهتر ن شعر های فلاحی از حس و عاطفه جانی زخم خورده و بر تجربه، وقوف اند شه و تخ ملی غنیه که در شعر درونی شده اند، خلق شده و حتی در ل ر یک تر ن و عاشقانه تر ن شعرها، تجربه تراژیک و فاجعه نسل او را به شعری بر می کشند که مهر فرد مت شاعر را ن ز بر جب ن دارد.

ا ن شعرها فضای عاطفی، تخ ل و اند شه غنیه تجربه حسی و بار شعری خود را با زبانی روان ساده، شعری شده و تصو ری و در ساختارهای فشرده و منسجمی که از تجربه های سه دهه شاعری فلاحی خبر می دهند، به خواننده منتقل می کنند.

در ا ن شعرها انسجام و ا جاز شاعرانه با غنای حس و عاطفه و تخ ل و اند شه شعری شده پ وند می خوردند و در بستر فرد مت متما ز شاعر صدای نسلی حرام شده را در غربت تب د، اندوه و زخم شکست و سرکوب و ا درو ای بزرگی را که هنوز در جان و خاطره و ذهن مت شعری شاعر و در پسر مه نه شعر او زنده است ثبت می کنند.

در بهتر ن شعر های فلاحی وزن ن هائی و بی وزنی و وزن های متفاوت در شعری واحد، خلاقانه و به دور از تصنع و بازی های مزاحم تکنیکی و زبانی تلف ق می شوند.

در ا ن شعرها بافتی منسجم از زبان نئوکلاسیک های نحله خراسانی جد د با زبان روزمره و خطابی دهه های اخ ر خلق شده و ا ن بافت همگن چالش مضام ن و محتوا و چالش صداهای متنوع را به ساحت شعر می برد و ا ن همه شعر فلاحی را به شعری چند صدائی برکش ده و بدان رنگی متما ز و ممتاز می بخشد.

برای نسل فلاحی حتا عشق و شعرهای عاشقانه ل ر یک «سکوتی» است که «از پس و ران شدن می آ د» هر چند در خاطره و در پسر مه نه تراژیک تر ن شعرهای او و در ا د نسل او «هنوز باد می وزد».

ا ن نسل از پس همه تجربه های دردناک و به رغم زخم هائی که هنوز تازه و خونچکان است و حتا در سرمای تب د شور عشق و سرمستی رو اهای خود را از ا د نمی برد و از خود می پرسد: «در ا چه شد؟ در ا چه شد در پشت سر؟ آن باد و موج پشت و رو، آن ماهیان سرخ رو؟ در ا چه شد در پشت سر؟»

اما سرمستی رو اها و ا د در ا را زخم شکست و سرمای تب د به چالش می طلبد. در ا و رو ائی که بر گونه های ماه نوشته شد، به سا ه روشن اندوه می روند و شعر بار حماسی خود را به فاجعه وامی نهد و با لحنی متناسب می سرا د: «از آن

روزگاران تو ماندی و این ز کمت خالی منتظر» و «هم نیم، نهالی شکسته، درختی سرافکنده از بی بر و باری اش، و بادی که آس مه سر بر سر و روی خود می زند».

سمفونی رنگارنگ شعر فلاحتی با این مجازی خلاق در شعر خوش ساخت و بافت «آواره با ماه»، که عنوان خود را به آخر این کتاب او وام داده است به وحدت ساختاری می رسد:

«من انگار عمری ست
با ماه یک جان و هم سرنوشتیم
از آن شب که بر گونه ی ماه
رؤ ای خود را نوشتیم»

مهدی فلاحتی در سال ۱۳۳۷ در تهران چشم به جهان گشود به دوران نوجوانی و پیش از انقلاب با نوشتن فیلم نامه و نما شنانه در عرصه سینما و تاتر فعال بود و در تب و تاب سال های انقلاب حضوری فعال داشت.

فلاحتی با سرکوب سال ۱۳۶۰ به هندوستان گریخت و تحصیلات دانشگاهی خود را در علوم سیاسی در دانشگاه های آن د ار به پا ان برد و در سال ۱۳۶۲ به فرانسه رفت.

فلاحتی شش سال، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵، سردبیری مجله آرش را بر عهده داشت و از آن روزگار تا کنون نیز کار خود را در عرصه ژورنالیزم در رسانه های گوناگون ادامه داده و در این عرصه کتاب «پنجاه گفتگو» با پنجاه چهره شاخص فرهنگی و سیاسی ایران را منتشر کرده است.

نخستین مجموعه شعر مهدی فلاحتی با عنوان «ترانه ماه» در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. از مجموعه شعرهای چاپ شده فلاحتی می توان از کتاب های در شبانه بی خود شکنندوی رفته با باد، پرسه در اقلیم حارت آور زنبق ها، ماه نقش ناخن ما است بر دوار و کو رپراز ماه یاد کرد.

مهدی فلاحتی گزیده ای از مقاله های خود را در کتاب «پنج اقلیمت و نوشته های دیگر» چاپ و برخی شعرهای «پرتش ناندی»، شاعر مطرح هندی را ترجمه و در کتابی با عنوان «اگر با دست تبعیدم کنی» منتشر کرده است.